



## مدعیان اصلاحات برای حل مشکلات اقتصادی دست به دامن شهرام جزایری شدند!

مدعیان اصلاحات، مفسد اقتصادی نام آشنای دوره اصلاحات را «برند اقتصاد ایران» و «صاحب نظر بخش‌های مختلف اقتصادی» نامیده و برای حل مشکلات اقتصادی کشور نسخه شهرام جزایری را توصیه می‌کنند!

مدعیان اصلاحات، مفسد اقتصادی نام آشنای دوره اصلاحات را «برند اقتصاد ایران» و «صاحب نظر بخش‌های مختلف اقتصادی» نامیده و برای حل مشکلات اقتصادی کشور نسخه شهرام جزایری را توصیه می‌کنند!

روزنامه زنجیره؛ ای آفتاب یزد دیروز در مطلبی با عنوان «نسخه شهرام جزایری برای اقتصاد کشور» نوشت: «شاید کمتر کسی باشد که نام شهرام جزایری را نشنیده باشد و یا دادگاه‌ها و جلسات محاکمه وی را از تلویزیون و رسانه ملی ندیده باشد. زمانی که صحبت از اقتصاد هنوز موضوع روز کشور نبود و مردم کمتر با عناوینی چون رکود و تورم و یا توسعه اقتصادی و رشد شاخص‌های آن آشنا بودند جوان گمنامی زاده تهران و اهل اهواز، راه پر فراز و نشیب اقتصاد را انتخاب کرد و در مدت زمان نسبتاً کوتاهی توانست به یکی از برندهای اقتصادی کشور تبدیل شود. البته حواشی بوجود آمده در زندگی حرفه‌ای وی را اگر فاکتور بگیریم می‌توان از او به عنوان صاحب نظر در بخش‌های مختلف اقتصادی نام برد».

این روزنامه دست چنم مدعی اصلاحات، مفسد اقتصادی نام آشنای دوره اصلاحات را «برند اقتصاد ایران» و «صاحب نظر بخش‌های مختلف اقتصادی» نامیده است. از دیدگاه روزنامه «زنجیره» ای مدعی اصلاحات، هرکه بیشتر از بیت‌المال غارت کند، بزرگتر و محبوبتر است. آفتاب یزد در ادامه یک مصاحبه اختصاصی با شهرام جزایری انجام داده است. در بخشی از این مصاحبه آمده است: «قطعاً یکی از پایه‌های رسیدن به هدف رونق و توسعه پایدار را باید راه مقابله و مبارزه با فساد دولتی در نظر بگیریم!»

ادعای مضحک شهرام جزایری درباره مبارزه با فساد در حالی است که وی خود ید طولایی در فساد دارد. یادآور می‌شود کمیسیون اقتصادی مجلس ششم به اعتبار ارتباط صمیمی برخی از اعضای آن - از جمله الیاس حضرتی (نماینده فعلی فراکسیون امید مجلس دهم) - با شهرام جزایری مفسد اقتصادی دوره اصلاحات سر زبان‌ها افتاد. جزایری توانسته بود به واسطه برخی همین ارتباطات نزدیک با اعضای کمیسیون اقتصادی و هیئت‌رئیس مجلس ششم، کارت پانصد (کارت تردد بدون مزاحمت) به مجلس را به دست آورد و از جمله با مشورت‌هایش، طرح عدم اخذ وثیقه برای تسهیلات کلان بانکی را تبدیل به دستور کار مجلس کند.

مدعیان اصلاحات در عوض کردن جای «ارتش» و «اختلاس» و «کارچاق» و «کنی» با «کارآفرینی» تبحر خاصی دارند و صراحتاً می‌نویسند مدیران نجومی به همراه مفسدان کلان اقتصادی همچون شهرام جزایری و «آفرید خسروی، کارآفرینان شایسته و نابغه» ای در حد «استیو جابز» (مخترع، بنیانگذار و مدیر ارشد اجرایی شرکت رایانه «آپل») هستند که باید تیمار شوند و حقوق‌های هنگفت بگیرند!

رسانه‌های آلوده به مواهب مفسدانی چون شهرام جزایری که در سال‌های گذشته راه‌های گوناگونی را برای نجات مدیران ویژه خوار و اشرافی طی کرده و هر روز در حمایت از واریز حقوق‌های نجومی قلم فرسایی کرده‌اند، تعارف را به سوی گذاشته و به صورت رسمی و عیان تریبون را در اختیار مفسدان اقتصادی قرار می‌دهند.

نوکیسگانی مانند بابک زنجانی و جزایری با روش کشورداری مدعیان اصلاحات برکشیده و ترویج شدند. برای همین روزنامه «زنجیره» ای همزمان با طرح ادعای «عقب باز نمی‌گردیم» از نسخه مفسد اقتصادی نام آشنای دوره اصلاحات برای اقتصاد کشور رونمایی می‌کنند.

از تشکیل ستاد حمایت از کرباسچی تا مراسم تقدیر از بابک زنجانی حقیقت ماجرا این است که فساد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، چپ و راست یا اصولگرا و اصلاح‌طلب

نمی‌شناسد. فساد، ذاتاً مشمئزکننده است از هر کس و با هر تابلویی که می‌خواهد باشد. فساد نقطه مقابل انقلاب و آرمان‌های آن است و بنابراین باید با آن بی‌ملاحظه و مجامله برخورد کرد. اما در سوی مقابل، پروپاگاندای رسانه‌ای جریان‌های جاری که از آن با نام زنجیره‌ای و ای‌ان‌اچ‌ای‌ها در ادبیات سیاسی کشور نام می‌برند، باعث خلط بسیاری از مفاهیم شده است. بررسی عملکرد روزنامه‌های زنجیره‌ای-به‌عنوان تریبون مدعیان اصلاحات- نشان دهنده این است که این جماعت با رویکردی قبیله‌ای و باندی، هر آنچه که با منافع خود همراستا باشد-ولو ناپسند-تکریم و هر آنچه-ولو پسندیده- با منافع حزبی و شخصی در تضاد باشد را تخریب می‌کند.

این رویکرد دوگانه باعث می‌شود که در نهایت مفاهیمی همچون مفاسد اقتصادی که ذاتاً امری ناپسند است به مفاسد اقتصادی خوب و مفاسد اقتصادی بد تقسیم شود. بنابراین اگر فساد از جناح مقابل باشد، با جنجال رسانه‌ای به ابزاری برای بهره‌برداری و برداری‌های سیاسی و انتخاباتی برای حذف رقیب بدل می‌شود ولی اگر متعلق به جناح خودی باشد، سرپوش بر آن گذاشته می‌شود و حتی به رسم تعصبات قبیله‌ای و عشیره‌ای مجرم مورد حمایت نیز قرار می‌گیرد.

در کارنامه مدعیان اصلاحات، مصادیق بسیاری از حمایت قبیله‌ای از مفسدان اقتصادی به چشم می‌خورد. مدعیان اصلاحات در جریان برگزاری دادگاه غلامحسین کرباسچی-شهردار وقت تهران- در سال 77 تمام قد از فساد کلان وی در شهرداری دفاع کردند. عبدالله نوری، وزیر کشور دولت اصلاحات که متولی رسمی امنیت کشور بود، با سوءاستفاده از موقعیت خود برای نجات رفیق خویش، اقدام به بحران آفرینی کرد و رسماً قوه قضائیه را تهدید نمود و با قلدری در برابر قانون، اقدام به اردوکشی خیابانی کرد. علاوه بر این، همزمان در وزارت کشور، ستادی ویژه برای آزادسازی کرباسچی تشکیل شد. با تدارک این ستاد، نمایشگاهی از دستاوردهای کرباسچی در ساختمان وزارت کشور برپا شد.

این جریان آلوده سیاسی که گاهی با ژست مضحک، حرف‌های عوام‌ها و فریب در حمایت از حقوق مردم و پاسداری از بیت‌المال می‌زند، روزگاری در همراهی از مفسدان و دزدان‌ها از هم سبقت می‌گرفتند و برای آنها آه و ناله سر می‌دادند و اشک می‌ریختند! به عنوان نمونه، صادق زیباکلام در دفاع از «مه‌آفرید خسروی» متهم اول فساد 3 هزار میلیارد تومانی که با چمدان‌های رشوه پر از پول مشغول آلوده‌سازی اقتصادی بود، گفت: «او نه تنها جرمی مرتکب نشده بلکه باید به وی نشان لیاقت داد. اما در عمل وی به اعدام محکوم شده است... او دارای توان بالای مدیریتی در حد بیل و گیتس و استیو جابز است و اساساً روح کارآفرینی از این دست، از زد و بند و اختلاس و کارهای خلاف بری است. او بزرگ‌ترین خدمات را به اقتصاد کشور کرده است».

مدعیان اصلاحات به دلیل آگاهی از کارنامه سیاه خود در موضوع مفاسد اقتصادی، تمایل زیادی دارند که ماجرای بابک زنجانی را تقطیع شده و از میانه داستان برای مخاطب تعریف کنند. بابک زنجانی-شهریور 92- در مصاحبه با نشریه آسمان- رسانه حزب کارگزاران- گفت: «زمانی که در پادگان ولی‌عصر تهران سرباز بودم، آقای هاشمی‌رفسنجانی برای بازدید به آنجا آمدند، گفتند تعدادی سرباز برای ریاست‌جمهوری، بانک مرکزی و جاهای مختلف انتخاب کنند. وقتی به عنوان سرباز به بانک مرکزی رفتم گفتند شما باید به «عنوان راننده، آقای نوربخش را جابه‌جا کنید. حدود 5 ماه از سربازی‌ام مانده بود. من در دفتر آقای نوربخش کار ثبت‌نامه‌ها را انجام می‌دادم، بعد هم رانندگی آقای نوربخش را می‌کردم. بعد از خدمت ... آقای نوربخش 4-5 جا را انتخاب کرده بود و برای کنترل بازار به آنها دلار می‌داد تا در بازار پخش کنند. دلار 300 تومان بود و همه می‌گفتند دلار می‌خواهد هزار تومان شود. مردم می‌رفتند شب تا صبح در صف بانک‌ها می‌خوابیدند تا دلار بگیرند و در بازار بفروشند. آقای نوربخش به من گفت: شما هم بیا در این مجموعه‌هایی که دارند دلار تزریق می‌کنند و 4 یا 5 نفر بودند، کار کن. اولین روز 17 میلیون دلار ارز در بازار توزیع کردم و اولین کارمزد من هم 17 میلیون تومان (2 دهه پیش) بود. با آن پول هم یک دفتر در میرداماد (خیابانی که بانک مرکزی نیز همان جاست) خریدم. هر روز دلار می‌گرفتم و در بازار می‌فروختم... (درباره عکس با هاشمی و خاتمی و روحانی) من پیش این آقایان رفتم تا جایزه بگیرم... تا حالا سه چهار بار آقای هاشمی را از نزدیک دیده‌ام. بعد از انتخابات خدمت ایشان رفتم و توضیحی درباره کارهایم به ایشان دادم. بیشتر از 8 سال است که عکس ایشان در اتاقم هست».

گفتنی است بابک زنجانی از دست روحانی و مرحوم هاشمی رفسنجانی جایزه گرفته و تصاویری به یادگار و با لبانی خندان ثبت کرده است.

روزنامه‌های دست‌چندمدعی اصلاحات، تریبون مفسدان اقتصادی همانطور که پیش از این نیز ذکر شد، رسانه‌های آلوده به مواهب مفسدانی چون شهرام جزایری که در سال‌های گذشته راه‌های گوناگونی را برای نجات مدیران ویژه خوار و اشرافی طی کرده و هر روز در حمایت از واریز حقوق‌های نجومی قلم فرسایی کرده‌اند، تعارف را به سویی گذاشته و به صورت رسمی و عیان تریبون را در اختیار مفسدان اقتصادی قرار می‌دهند.

برای نمونه، روزنامه زنجیره‌ای آرمان در مردادماه 95، یک مصاحبه اختصاصی با شهرام جزایری ترتیب داد و عکس وی را در صفحه اول منتشر کرد. جزایری در این مصاحبه گفت: «مفسدخواندن من توهم رسانه‌ای است و در مقابل فساد‌های چند سال اخیر، مصلح اقتصادی هستم»!

وی در بخش دیگری از این مصاحبه گفت: «ماهی 500 میلیون تومان خرج می‌کنم»!

شهرام جزایری همچنین در این مصاحبه گفت: «از کیهان ممنونم که مرا مشهور کرد». روزنامه کیهان در پاسخ به این ادعا به نکته جالبی اشاره کرد: «نام شهرام جزایری که از زندان و با خط خودش خطاب به مدیرمسئول کیهان نوشته بود موجود است که در آن می‌نویسد: دستگاه قضایی می‌خواهد مرا آزاد کند ولی مطالب و نوشته‌های شما مانع از آن است»!

کرسنت، توتال، حقوق‌های نجومی؛ بزرگ‌کنندگان خسارت‌های محض مدعیان اصلاحات وقتی مفسدان اقتصادی را استیو جابز می‌نامند، باید هم قراردادهای خسارت‌باری همچون کرسنت و توتال را هم بزرگ کرده و به دفاع تمام‌قد از مدیران نجومی بپردازند.

روزنامه زنجیره‌ای آفتاب یزد در مطلبی در حمایت از مدیران نجومی نوشته بود: «بنا به گفته کارشناسان اقتصادی و سیاسی تعیین سقف 24 میلیون تومان برای درآمد ماهیانه مدیران نخبه و متخصص، موجب کاهش مفسد اقتصادی و همین‌طور ممانعت از فرار مغزها می‌شود». در هفته‌های گذشته، روزنامه‌های زنجیره‌ای با حمله و توهین به منتقدان دولت، از خارج شدن طرح سه فوریتی توقف قرارداد خسارت بار توتال از دستور کار مجلس استقبال کردند.

گفتنی است در اواخر دهه 70 و اوایل دهه 80، قراردادهای پرخسارتی با توتال و کرسنت بسته شد که اولی به بدعهدی بدون جریمه طرف خارجی و 10 سال تاخیر و معطلی ما؛ و دومی به خسارت 18 میلیارد دلاری برای کشور ما انجامید.

کار مدیریت اشرافی ظاهراًصلاح، حفظ پوسته و تراشیدن از عمق «اعتماد عمومی و استحکام نظام» است. آنها بدتر از موریانه عمل می‌کنند؛ ریشه اعتقادات و باورهای مردم را می‌خورند، بستر پرورش اجتماعی انواع جرم‌ها را فراهم می‌سازند و ناامیدی و یأس را تزریق می‌کنند. ریشه واقعی تحریم‌های فلج‌کننده در خارج کشور بلکه در همین سوء مدیریت اشرافی است. تحریم اصلی همین بی‌کفایتی‌ها و ترجیح منفعت شخصی بر منافع ملی است.

بدون شک نسخه‌پیچی مدعیان اصلاحات برای حل مشکلات اقتصادی کشور با همفکری مفسدی همچون شهرام جزایری نقطه عطف و برگی فراموش‌نشده در کارنامه این جریان خواهد بود.